

طنز

فینالیست های جشنواره ترافیکاتور مشخص شدند

مدیر خانه کاریکاتور حوزه هنری استان اصفهان از اعلام نتایج راه یافتگان به بخش نهایی جشنواره ترافیکاتور خبر داد. به گزارش شیرین طنز، به نقل از روابط عمومی حوزه هنری استان اصفهان، شرکت کنندگان راه یافته به مرحله نهایی داوری جشنواره کارتون حمل و نقل و ترافیک مشخص شدند. پیام پورفلاح مدیر خانه کاریکاتور حوزه هنری استان اصفهان گفت: مرحله نخست داوری آثار رسیده به دبیرخانه کارتون حمل و نقل و ترافیک ترافیکاتور برگزار شد. در این مرحله از بین ۲۰۹ اثر ارسالی از سراسر کشور راه یافتگان به مرحله نهایی داوری در سه بخش (اصفهان شهر دوچرخه ها، کلاه ایمنی سرزندگی، نه به خودروی تک سرنشین) مشخص شدند. وی افزود: داوری مرحله نهایی جشنواره پس از تعطیلات نوروزی انجام می شود تا برترین های این جشنواره از بین فینالیست ها معرفی شوند.

پورفلاح فینالیست های این جشنواره را در سه بخش براساس حروف الفبا به شرح زیر اعلام کرد: در بخش اصفهان شهر دوچرخه ها (جمال الدین اعتباریان، منصوره دهقانی، حمید قالیجاری، ریحانه کریمیان، آیت نادری، نگین نقیه) در بخش کلاه ایمنی سرزندگی (محمدحسین اکبری، مجتبی حیدریناه، امید سلامی، محمودرضا صنعتی، عالیله مظاهری، مظهره ناسخیان) در بخش نه به خودروی تک سرنشین (محمدحسین اکبری، سعید بنزاده، منصوره دهقانی، مهناز یزدانی)

دوره آموزشی باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی برگزار می شود

دوره آموزشی باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی با حضور کارشناسان طنز صورت می گیرد. دوره آموزشی باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی فروردین و اردیبهشت سال آینده برگزار می شود.

به گزارش مهر، مجموعه دوره آموزشی باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی با حضور اساتیدی همچون محمدحسین نیرومند، مازیار بیژنی، نعمت الله سعیدی، عباس احمدی، فروردین و اردیبهشت سال آینده برگزار می شود.

منطق و حکمت طنز با تدریس نعمت الله سعیدی، کارگاه کاریکاتور با تدریس مازیار بیژنی، ایده پردازی با تدریس محمدحسین نیرومند، کارگاه پیشرفته شعر طنز با تدریس عباس احمدی، مبانی فیلمنامه نویسی کوتاه طنز با تدریس عباس هادیان و طنز مطبوعاتی با تدریس محمدرضا شهبازی، عناوین برخی از کلاس های آموزشی این دوره است.

زمان برگزاری این دوره، نیمه دوم فروردین و اردیبهشت سال آتی است.

علاقه مندان برای پیش ثبت نام در این دوره آموزشی، می توانند با آیدی این مجموعه در پیام رسانی های تلگرام، بله، ایستا و سروش ارتباط بگیرند.

افرادی که با موفقیت این دوره آموزشی را سپری کنند، در تولیدات باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی به کار گرفته می شوند.

آگهی تغییرات شرکت پادیر سازه سیماب با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۳۸۷۳۴۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۷۶۶۵۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۱ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: - محمدامین زارع به کد ملی ۲۲۹۸۹۸۱۱۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و مسعود کریمی فر به کد ملی ۲۲۹۸۷۲۵۷۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و علی بهادری به کد ملی ۳۳۷۲۰۸۹۲۵۰ به سمت عضو هیئت مدیره و صالح پورهمت نفر به کد ملی ۲۲۹۵۶۰۷۴۰۱ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند. - کلیه اسناد و مدارک و اوراق بهاء دار با امضاء منفرد صالح پورهمت نفر و محمدامین زارع و علی بهادری هر کدام به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۵۵۷- اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۲۰۹۷)

آگهی تاسیس شرکت با مسئولیت محدود ابزار یار ماهر در تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۱۴ به شماره ثبت ۵۱۹۶۶۵ به شناسه ملی ۱۰۰۷۲۵۵۱۶۶ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع: خرید و فروش کلیه تجهیزات و ابزارآلات صنعتی، خرید و فروش و واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی، اخذ وام و اعتبارات و تسهیلات ریالی و ارزی از بانک ها و موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی، شرکت در مناقصات و مزایده دولتی و خصوصی کشور، اخذ نمایندگی از شرکت های بین المللی، برگزاری و شرکت در همایش ها و نمایشگاه ها در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط - مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود - مرکز اصلی: تهران - شهرستان تهران - بخش مرکزی - شهر تهران - قطریه - خیابان شهید امیرحسین کریمی - بن بست محقق اول - پلاک ۲ - ساختمان پاس - پل سوک B - طبقه سوم - واحد ۳۰۵ - کدپستی ۱۹۳۸۷۵۳۸۸۷ - سرمایه شخصیت حقوقی: ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد. - اسامی و میزان سهم الشرکه شرکا: آقای امیر موسی خانی به شماره ملی ۰۰۶۳۹۲۰۰۶۹ دارند. ۹۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم زینب جمیلی زاده به شماره ملی ۰۱۵۱۲۵۸۲۱۱ دارند. ۱۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه - اولین مدیران: آقای امیر موسی خانی به شماره ملی ۰۰۶۳۹۲۰۰۶۹ و به سمت رئیس هیئت مدیره و به سمت مدیرعامل و خانم زینب جمیلی زاده به شماره ملی ۰۱۵۱۲۵۸۲۱۱ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: دارندگان حق امضاء و اسناد بهادار و تمهیدآور شرکت از قبیل چک - سفته - بروات و عقود اسلامی با امضا مدیرعامل منفردا و قراردادهای و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات نماینده قانونی: طبق اساسنامه ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۱۵۵۸- اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۱۲۲۰۴)

از دفترچه خاطرات یک آدم مثلا کنجکاو!



«مهدی طوسی»

شنبه: امروز داشتم با خودم حرف می زدم. یکباره متوجه شدم که از پنجره رو به روی خانه ما صدایی می آید که این صدا شبیه به صدای خاله صاحبخانه است. از شما چه پنهان که من اصولا از این خاله همسایه رو به روی خوشم نمی آید و برای همین دلم می خواهد به حرف هایی که او با صاحبخانه می زند گوش کنم ببینم آیا او هم از من خوشش نمی آید!

گوشتم را تیز کردم. خاله همسایه رو به رویی داشت می گفت: بابا... اقدس جان من می گویم این عدس ها خیلی بهتر از آن عدس هاست. بمد آقا، بابای بچه هام امروز ده کیلو از همین عدس خریده و من هم روزی دو بار از این عدس ها درست می کنم.

باور کن احساس می کنم که کلسیوم بدنم همین جور دارم می رود بالا!

من به تو پیشنهاد می کنم که برو از همین سوپری بعد از چهارراه عدس بختر تا کلسیوم بدنت برود بالا!

با خودم گفتم: الان من هم می روم و از همین عدس هایی که خاله همسایه رو به رویی می گوید

باور کن احساس می کنم که کلسیوم بدنم همین جور دارم می رود بالا!

من به تو پیشنهاد می کنم که برو از همین سوپری بعد از چهارراه عدس بختر تا کلسیوم بدنت برود بالا!

با خودم گفتم: الان من هم می روم و از همین عدس هایی که خاله همسایه رو به رویی می گوید

بدیم؟!

نفر بعدی گفت: آره موافقم چون من هم متوجه شدم که مدتی است بوی قرمه سبزی از توی خانه شان نمی آید و ممکن است بچه های شان گرسنه باشند!

نفر بعدی گفت: آخی ی ی ی ی آفتدر ناراحت شدم که گفتم الان به همسرم زنگ می زنم و می گویم نه تنها قبض خودمان را بدهد بلکه قبض همه همسایه ها را هم بدهد و همه همسایه ها را شام قورمه سبزی دعوت کند!

دو شنبه: امروز احساس کردم که باید بروم و از درس های بچه خبر بگیرم. رفتم مدرسه، معلم شان گفت: توی دفتر منتظر باشید تا من درسم که تمام شد بیایم و با شما حرف بزنم. توی دفتر نشسته بودم که دیدم کسی نیست و یک عالمه دفتر توی دفتر است! رفتم و یکی یکی آنها را باز کردم. فکر شومی به ذهنم رسید. با خودم گفتم که با پاک کن نمره های زیر صفر بچه ام را پاک کرده و هم را بالای ده بگذارم! این کار را کردم اما ای کاش این کار را نمی کردم. چرا که معلم شان دید و خیلی خجالت کشیدم!

سه شنبه: امروز خیلی کارها کردم از جمله گوش کردن به حرف های دیگران. تازه توی کار عروس خاله ام نیز فضولی کردم و به او گفتم: باید بروی به مادر شوهرت که خاله ام باشد بگویی که برایت سرویس طلا بخرد!

راستش بعد از اینکه این حرف ها را زدم خیلی پشیمان شدم چرا که اگر خاله بفهمد که فهمید خیلی بد می شد که شد!

چهار شنبه: از بس توی کار این و آن فضولی کردم که خسته شدم. امروز تصمیم گرفتم که توی کار خودم فضولی نکنم. هر کاری که تصمیم داشتم انجام بدهم با فضولی توی آنها نمی شد کار را انجام بدهم!

پنج شنبه و جمعه: این دو روز را مثل شوهرم که تعطیل بود من هم تعطیل کردم و توی کار هیچ کس فضولی نکردم. آخر وقت روز جمعه با خودم گفتم: چقدر خوب است که آدم توی کار کسی فضولی نکند!

شنبه: امروز داشتم از توی پله ها می رفتم پایین که یکباره متوجه شدم دو نفر دارند با هم پیچ و بچ می کنند و می گویند: همسایه طبقه بالا (ما را می گفتند) چرا قبض های شان را پرداخت نمی کنند؟ همه ما قبض های مان را پرداخت کردیم جز این همسایه بالایی.

نفر بعدی به او گفت: شاید پول ندارند قبض های شان را بدهند چرا که اگر داشتند که تا به حال پرداخت می کردند.

نفر اولی گفت: می خواهی بعد از ظهر برویم با ازشان بپرسیم اگر پول ندارند به آنها قرض

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

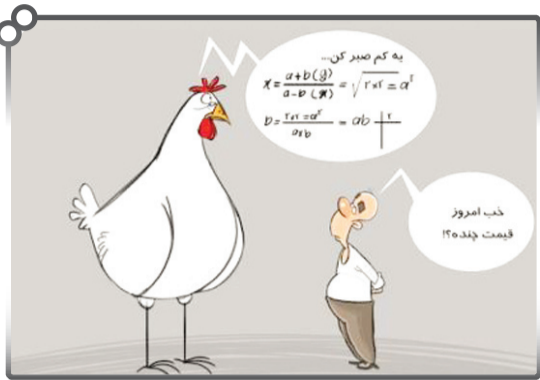
گرچه مثل یک لوکوموتیو است که دو تا واگن دارد: موش و ماهی. می توانم بگویم که کشیدن ماهی برایم آسان است چون خیلی ایستاده ام و ماهیها را توی تنگ یا حوض نگاه کرده ام.

خیام که از نظر حجم خیلی هم کم است. مثلاً به "رنگین کمان" می پردازم و درباره اش کاریکلماتورهای زیاد می نویسم. بعد رهاش می کنم. یک وقت بادم می آید که در نوشته هایم تصویر چیزها خیلی وجود داشت. تصویر چیزها در آب مثلاً گفته بودم: وقتی تصویر گل محمدی در آب افتاد. ماهی ها می توانم بکشمش، در صورتی که قیل را نمیتوانم بکشم.

ایستگاه

شعر طنز برای مرغ عزیز!

«با اجازه سعیدی»
«شاعر: سعید سلیمان پور»
«تخلص: یوالفضول الشعرا»
«از کتاب: واژه در دست تعمیر»



ای مرغ که از غمت پریشم در فرقت خود مسوز بیشم

آیا بود اینک بار دیگر روزی بگشتم تو را به نیشم؟

گفتم که به وصل تو شوم شاد هجران تو خنده زد به ریشم!

بس منتظرت نشستم و حال نومید از انتظار خویشم

من بی تو ساقی می‌کیدم و اکنون که نیامدی به پیشم

«بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم»

ای نغمه عاشقان برایت وی مدحت شاعران سزایت

کارانه شایگان نصیبت یارانه مفلسان فدایت

گشتم به محله و ندیدم یک تن که نبود مبتلایت

شد زنگ موبایل من پس از این جانبخش نوای قدقدايت

ای شعر مجسم لذیدم آخر بسرایم از کجایت؟

از سینه و ران نگویم و حال دستم چو نم رسد به پایت

«بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم»

سهیمه دولتی که دیدم خوشحال ز جای خود پریدم

خود را به درون صف تیاندم از شوق وصال تو تپیدم

له کردم و له شدم اساسی در راه تو رنجها کشیدم

هل داده شدم به ناگه از صف در داخل جوب (!) آریدم

القصه تمام گشتی ای مرغ! و اکنون که بریده شد امیدم

«بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم»

ای یار گران و سرگران ای طعم تو مانده در دهانم

سیمرغ صفت نهان شدستی ای نادره مرغ بی نشانم

هر چند بخوانمت نیایی دیگر نکنی نظر به خوانم

منگر که ز صبر می زنم دم کان لقلقه ایست بر زبانم

القصه کنون به هیچ عنوان من بی رخ تو نمی توانم

«بنشینم و صبر پیش گیرم دنباله کار خویش گیرم»



«شفر: ای بابا چقدر بطری آب این جا افتاده آدم نمی تونه راه بره!»

نقد عکر